

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هفدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۶۶

تحلیل خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش گفتاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱/۱۶

مهدی داودآبادی فراهانی*

خطبه فدکیه به عنوان یک ارتباط زبانی تحقیق یافته در بافت و زمینه تاریخی مشخص، یکی از گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را تشکیل می‌دهد. یکی از روش‌های تحلیل این گونه متون، به عنوان بخشی از میراث دینی، استفاده از تحلیل کارگفتی و بررسی متن در چارچوب کنش گفتاری است. بر اساس این نظریه، گوینده که همواره در بافتی خاص سخن می‌گوید، هنگام سخن گفتن علاوه بر ادای کلمات و بر زبان جاری ساختن الفاظ در قالب گزاره‌های مختلف، کنش‌هایی هم انجام می‌دهد که آن‌ها را به پنج دسته بیانی، انشایی، تعهدی، احساسی و اعلامی تقسیم کرده‌اند. این جستار که به تحلیل متن خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش گفتاری پرداخته، به این نتیجه رسیده است که کنش‌های اعلامی و بیانی بیش از دیگر کنش‌ها در این خطبه به چشم می‌خورد و با توجه به بافت پیرامونی ایراد این خطبه و زمینه‌های تاریخی آن، این فراوانی را می‌توان بدین معنا گرفت که حضرت فاطمه علیها السلام

* دانشجوی دکتری رشته حکمت هنر دینی، دانشگاه ادیان و مذاهب؛

پس از رحلت پیامبر ﷺ در صدد احیای سنت وی و تبیین احکام و دستورات اسلام بوده است.

کلیدواژگان: فاطمه علیها السلام، خطبه فدکیه، نظریه کنش گفتاری، بافت، زمینه تاریخی.

مقدمه

مهم‌ترین مسأله در فهم گزاره‌های دینی، از جمله خطبه فدکیه، معناداری و معنایابی آنهاست. برای قضاوت درباره معناداری گزاره‌های خطبه فدکیه و پرسش از چگونگی معرفت‌بخشی این گزاره‌ها، علاوه بر توجه به معنای تک تک عناصر تشکیل‌دهنده یک گزاره، باید به «بافت معانی» و «زمینه تاریخی» در ضمن کاربرد گزاره از سوی متکلم آن نیز اهتمام ویژه داشت. بافت یک متن، شرایط مفروضی را فراهم می‌آورد تا متکلم و مخاطب بتوانند بر اساس یک «دانایی»، فرایند کاربرد زبان از یک سو و فهم و تفسیر آن را از سوی دیگر تحقق بخشند:

در این رویکرد هر یک از متکلم و مخاطب با مجموعه دانایی‌ها، باورها و پندارهای خود درباره: ۱. عناصر زمان، مکان و اجتماع؛ ۲. کنش‌های پیشینی، پسینی و در حال اجرا؛ ۳. آگاهی از نقش و جایگاه متکلم و مخاطب؛ ۴. آگاهی از موقعیت زمانی و مکانی مخاطب، نوع و هویت رسانه و... روی هم بافت را تشکیل می‌دهند.^۱

برخی معتقدند توجه به بافت معنایی متن، به‌ناچار متن را تاریخ‌مند می‌سازد و برای آنکه متن فهم شود، ناگزیر باید آن را پدیده‌ای تاریخ‌مند قلمداد نمود. «تاریخ‌مندی متن به مقوله اثرپذیری معنای متن از زمینه تاریخی،^۲ به شرایط و واقعیات فرهنگی و تاریخی عصر پیدایش متن مربوط می‌شود».^۳

از جمله رویکردهایی که در فهم متن، توجه خود را معطوف به بافت و زمینه تاریخی نموده و در عین حال از شیوه تاریخی‌نگری استفاده نکرده است، رویکرد تحلیل معنا بر پایه کنش گفتاری یا تحلیل «کارگفتی» متن است. جان آستین (۱۹۱۱-۱۹۶۰م)،^۴

ویتگنشتاین (۱۸۸۹-۱۹۵۱م)^۵ و جان آر. سرل (۱۹۳۲م)^۶، با توجه به رویکردهای زبانی، تکیه خود را در تحلیل معنا، بر نظریه کنش گفتاری^۷ گذاشته و بر کاربرد و کنش‌های متکلم در عمل زبانی تأکید کرده‌اند:

آستین بسان ویتگنشتاین، تکیه خود برای تحلیل معنا را بر کاربرد قرار داد. او به جای توجه به معنای لفظ صرف‌نظر از کاربرد متکلم، به جست‌وجوی معنا در ضمن کاربرد پرداخت؛ در نتیجه آستین به کار تکلم اهتمام ویژه‌ای مبذول داشت. گرچه ویتگنشتاین متأخر نیز به کارهای متعدد متکلم در عمل زبانی تکیه کرد، آستین به تفصیل بیش‌تر و منظم‌تری در این عرصه پرداخت. آستین سه نوع کار متکلم را از یک‌دیگر تفکیک کرد: الف. کنش گفتاری؛ ب. کنش ضمن گفتاری؛ ج. کنش از طریق گفتار.^۸

جان آر. سرل به تبع استادان خود آستین و پی. اف. استراسن (۱۹۱۹-۲۰۰۶م)^۹ جستار سودمندی را در فلسفه زبان پیرامون معنا و حکایت^{۱۰}، در قالب نظریه افعال گفتاری^{۱۱} ارائه کرده است.

پرسش اصلی مقاله در همین جهت شکل می‌گیرد؛ نظریه کنش گفتاری چگونه می‌تواند به دسته‌بندی، طبقه‌بندی و تحلیل گزاره‌های موجود در خطبه فدکیه کمک کند؟ آیا با استفاده از دیدگاه سرل می‌توان خطبه را تحلیل نمود؟ آیا خطبه فدکیه دارای مفهومی تاریخ‌مند است؟ نگارنده، با در نظر داشتن این فرضیه که در خطبه فدکیه انواع کنش گفتاری به هدف القای مفاهیم خاصی به کار رفته است، با روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات بر آمده است.

بررسی پیشینه پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون «خطبه فدکیه»، روشن می‌کند که این خطبه یکی از متون گفتمانی مهم صدر اسلام قلمداد شده، بارها پژوهشگران آن را مورد کاوش قرار داده‌اند. اما هنوز از منظرهای جدید زبان‌شناسی و اشکال نوین کلامی و گفتمانی به تحلیل این متن مهم پرداخته نشده است؛ هرچند پژوهش‌هایی در این رابطه

انجام شده است، از جمله تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام نوشته کبری روشنفکر^{۱۳} که نویسنده با تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه، از سطح واژگان عبور کرده و در حد امکان به سطح معانی و بسترهای سازنده و حقایق نهفته در کلام حضرت پرداخته است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم خطبه

خطبه، به ضم خاء، مصدر خطب یخطبُ به معنای «کلامی است که برای دیگران ایراد می‌شود»^{۱۳} و نیز به معنای «ایراد سخن و مخاطب قرار دادن دیگران»^{۱۴} می‌باشد:

خطبه مصدر خَطَبَ است و خَطَبَ الخاطِبُ، یعنی بالای منبر سخنرانی کرد. آن کلامی که خطیب ایراد می‌کند، خطبه گویند [...] خطبه نزد عرب، کلام منشور و مسجع و نحو آن است که دارای مدت معین، هدف خاص، شروع و پایان است.^{۱۵}

در مجمع البحرین نیز چنین آمده است:

خطیب القوم، یعنی بزرگ قوم، کسی که با پادشاه گفتگو می‌کند و درباره نیازهای مردم با وی مکالمه انجام می‌دهد. خطبه اختصاص به موعظه و کلامی دارد که به مخاطب توجه داده می‌شود.^{۱۶}

خطابه فنی است که در مبحث صناعات خمس، در دانش منطق مطرح می‌شود. خواجه نصیرالدین طوسی خطابه را «صناعتی علمی که با وجود آن اقناع جمهور ممکن باشد» می‌داند.^{۱۷} مظفر در منطق خود تصریح می‌کند:

خطابه صنعت علمی است که به واسطه آن قانع نمودن عموم مردم به یک امر امکان‌پذیر خواهد بود؛ به گونه‌ای که انتظار می‌رود مردم آن امر را تصدیق کنند.^{۱۸}

ارسطو خطابه را «یک توانایی می‌داند که با آن می‌توان دریافت که درباره هر چیزی،

چه چیز بالقوه اقناع‌کننده‌ای وجود دارد. هیچ فنی چنین وظیفه‌ای ندارد».^{۱۹}
 آنچه در تعریف خطابه مورد توافق کلی قرار گرفته، اقناع کردن مخاطب است. بنابراین می‌توان علت توجه به خطابه را همین اقناع کردن دانست:

چون توده مردم در قبال برهان و جدل فروتنی به خرج نمی‌دهند و تفکر و تعمق در فهم مسائل ندارند، خطابه بهترین وسیله برای اقناع آنان است. به همین دلیل قانون‌گذاران و سیاست‌مداران، نیازمند خطابه‌اند؛ چه اینکه خضوع و فروتنی توده‌ها تحقق نمی‌یابد مگر به اقناع و رضایت آنان.^{۲۰}

ارسطو معتقد است:

وسائل اقناعی که از طریق گفتار فراهم می‌آید، بر سه گونه است: بعضی از آن‌ها از خصیصه اخلاقی کسی که سخن می‌گوید حاصل می‌شود؛ بعضی دیگر با برانگیختن حالت روحی معین در شنونده، و بعضی دیگر از خود گفتار به دست می‌آید؛ از این جهت که مطلبی را اثبات می‌کند یا می‌نماید که اثبات می‌کند.^{۲۱}
 بنابراین ارسطو ادعان می‌دارد که خطیب برای آنکه بتواند وسائل اقناع را فراهم آورد: باید دارای سه توانایی باشد: توانایی استنتاج، توانایی داوری درباره فضائل و سیرت‌ها، توانایی بر شناختن ماهیت و کیفیت هر کدام از عواطف و طریق بیدار ساختن آن‌ها. پس فن بلاغت در آن واحد هم شاخه‌ای از دیالکتیک است و هم شاخه‌ای از اخلاق که می‌توان آن را سیاست نیز نامید.^{۲۲}
 اقناع در شنوندگان هنگامی حاصل می‌شود که آن‌ها از طریق گفتار به احساس نوعی انفعال نفسانی برانگیخته شوند؛ زیرا انسان در حالات غم و شادی یا حب و بغض یک‌سان حکم نمی‌کند.^{۲۳}

۲-۱. مفهوم افعال گفتاری

در توضیح مفهوم افعال گفتاری و پیشینه و روند طرح آن می‌توان چنین گفت:

آستین نخستین فیلسوفی بود که بیان کرد در میان اظهارات زبانی، طبقه مهمی وجود دارد که دارای صورت جمله‌های خبری‌اند، با این حال نه صادقند و نه کاذب؛ زیرا قصد گوینده از ادای این جملات، توصیف وضع و حال و یا واقعیتی نیست، بلکه انجام یک فعل است؛ مثلا اگر کسی بگوید «قول می‌دهم که شما را ببینم» قصد او از این جمله خبری توصیف وعده و یا حکایت از وعده نیست بلکه با همین جمله وعده می‌دهد و فعل وعده را تحقق می‌بخشد.^{۲۴}

آستین مقاله مهمی به نام «چگونه کارها را با کلمات انجام دهیم؟» دارد که در طول مقاله درگیر پاسخ‌گویی به این پرسش است که:

آیا جملات توصیفی، یا بنا به اصطلاح وی «حاکوی»،^{۲۵} خودشان کنش‌های گفتاری‌اند که علاوه بر روش صدق و کذب، به روش‌های دیگری نیز به مسیر خطا بروند و اینکه آیا گاهی عناصر واقعی برای کامیابی جملات کنشی مهمند یا خیر؟ پرسش مطرح برای او این بود که آیا سرانجام تمایز واقعی میان جملات کنشی و حاکوی وجود دارد یا نه.^{۲۶}

توجه به نکته یادشده، آستین را بر آن داشت که به جای تمایز میان گزاره‌های توصیفی و ارزشی، تقسیم دیگری را جایگزین کند. از نظر او اظهارات یک گوینده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف. اظهارات انشایی؛^{۲۷} ب. اظهارات اخباری.^{۲۸} اظهارات انشایی به سه وجه از اظهارات اخباری متمایز می‌شوند: ۱. معمولا در اظهارات انشایی از فعل نحوی خاصی برای انجام فعل مورد نظر استفاده می‌شود. مثلا برای انجام فعل «وعده» باید گفت: «من وعده می‌دهم...»، یا برای انجام فعل نام‌گذاری باید گفت: «من این فرزندم را ... می‌نامم». همچنین در جملات انشایی می‌توان از قید «بدین وسیله»

استفاده کرد و گفت «بدین وسیله وعده می‌دهم». اما در گزاره‌های اخباری به کار بردن فعل خاصی لازم نیست؛ ۲. اظهارات اخباری صدق و کذب پذیرند، ولی اظهارات انشایی صدق و کذب پذیر نیستند بلکه متناسب یا نامتناسبند. در حالی که معیار ارزیابی اظهارات اخباری، صدق و کذب است؛ معیار ارزیابی جمله‌های انشایی نقص و تمام یا تناسب و عدم تناسب است. اگر یک اظهار انشایی طبق شرایط و قواعد لازم برای انجام یک فعل و تحقق یک انشا صورت گیرد، متناسب و تام است و در غیر این صورت نامتناسب و ناقص است؛ ۳. اظهارات انشایی از مقوله فعلند در حالی که اظهارات اخباری از سنخ توصیف یا بیان یک واقعیت هستند. گوینده در اظهارات انشایی به وسیله نفس اظهار، فعلی را انجام می‌دهد. ۲۹.

آستین دستاورد دومی نیز دارد. وی معتقد است حتی بسیاری از جملاتی که دارای شکل دستوری می‌باشند و به جملات خبری اختصاص دارند، با معیارهای پاره‌گفتارهای توصیفی تناسب ندارند. وی مجموعه‌ای از پاره‌گفتارهای توصیفی را ارائه می‌دهد که به صورت کاذب یا صادق به کار نمی‌روند، بلکه بیان‌گر کنش خاصی یا مؤلفه‌های کنش معینی هستند. ۳۰.

آستین با بازگشت به بحث تفکیک جملات حاکوی از کنشی، در نهایت نتیجه می‌گیرد که هر دو، شکل‌های ضمن‌گفتاری‌اند؛ یعنی بیان واقعیت در واقع کنش‌گفتاری است و همانند جمله‌های کنشی است. ۳۱.

بعضی از اندیشمندان در علم اصول فقه نیز گزاره‌های انشایی و خبری را از یک سنخ دانسته‌اند. چنانکه آخوند خراسانی در بحث از طلب و اراده، قائل به اتحاد این دو شده است؛ چون خاستگاه هر دو در نفس انسانی است که از آن کیفیت، به خواستن یاد

می‌شود.^{۳۲} این رویکرد اصولی را در کلام بعضی دیگر نیز می‌توان دید:

«اخبار» و «انشاء»، کار یا فعل گفتاری‌اند. از سنخ «معنا» به مفهوم معهود آن نیستند. این کارها از لواحق استعمال لفظ در معنایند و گاهی فعل خارجی، سِمَت لفظ به خود می‌گیرد؛ همچون معامله معاطاتی. بنابراین آنچه از این افعال گفتاری حاصل می‌شود به مراتب متأخرتر از مفاد و مدلول هیئت جمله اخباری یا انشایی است.^{۳۳}

البته سرل بعدها در کتاب عبارت و معنا^{۳۴} این تمایز را مورد تشکیک قرار می‌دهد.^{۳۵} در

نهایت:

سرل نظریه آستین را با این دیدگاه تکمیل نمود که با بیان هر پاره گفتار، یک کنش ارجاعی و یک کنش اسنادی اجرا می‌گردد. وی این دو کنش فرعی را که در سطح معناشناختی نمود دارند، کنش قضیه‌ای می‌نامد و از کنش اظهاری آستین، متمایز می‌سازد [...] محور الگوی سرل، مؤلفه‌های هدف‌مند پاره گفتارهای زبانی، یعنی کنش‌های منظوری است.^{۳۶}

سرل معتقد است:

سخن گفتن به یک زبان، وارد شدن در نوعی رفتار قاعده‌مند است [...] روشی که من از آن پیروی خواهم کرد آن است که مجموعه شرایط لازم و کافی، انجام انواع خاصی از افعال گفتاری را بیان می‌کند و سپس از این شرایط، مجموعه‌هایی از قواعد معناشناختی برای استعمال ابزارهای زبانی استخراج می‌کند که اظهارات را، به عنوان آن انواع افعال گفتاری مشخص می‌کنند.^{۳۷}

یعنی سخن گفتن به یک زبان، عبارت است از انجام افعال گفتاری، افعالی از قبیل: امر کردن، پرسیدن، وعده دادن و مانند این‌ها. پس هر ارتباط زبانی مستلزم افعال زبانی است.

واحد ارتباط زبانی، ایجاد یا صدور نشانه، واژه و یا جمله در افعال گفتاری است. بنابر این سخن گفتن یعنی انجام کنش مطابق با قواعد:

منظور از این کنش، اعمالی است که ما با بیان یک جمله انجام می‌دهیم. چنین نیست که صرفاً چیزی بگوییم. ما سؤالاتی را می‌پرسیم یا به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهیم؛ اطلاع می‌دهیم؛ اطمینان می‌دهیم؛ هشدار می‌دهیم؛ اعلامیه می‌دهیم؛ قول می‌دهیم؛ وصفی را فراهم می‌کنیم.^{۳۸}

۳-۱. مفهوم بافت تاریخی

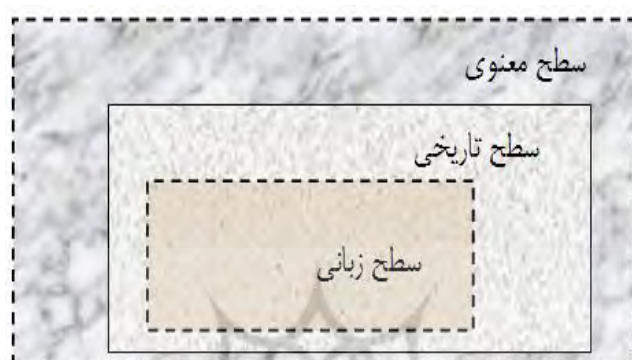
چنان که گفته شد بافت یک متن، شرایط مفروضی را فراهم می‌آورد تا متکلم و مخاطب بتوانند بر اساس یک «دانایی»، فرایند کاربرد زبان از یک سو و فهم و تفسیر آن را از سوی دیگر تحقق بخشند:

در این رویکرد هر یک از متکلم و مخاطب با مجموعه دانایی‌ها، باورها و پندارهای خود درباره: ۱. عناصر زمان، مکان و اجتماع؛ ۲. کنش‌های پیشینی، پسینی و در حال اجرا؛ ۳. آگاهی از نقش و جایگاه متکلم و مخاطب؛ ۴. آگاهی از موقعیت زمانی و مکانی مخاطب، نوع و هویت رسانه و... روی هم بافت را تشکیل می‌دهند.^{۳۹}

بعضی بافت متن را همان زمینه تاریخی آن قلمداد کرده‌اند. از همین روی:

گاه به «زمینه تاریخی» متن نه از آن جهت که در فهم متن مؤثر است، بلکه از آن جهت که در پیدایش و عناصر درونی و محتوایی متن مؤثر بوده است، نظر می‌شود. هر متن در یک مقطع زمانی و تاریخی خاص پدید آمده است و طبعاً یک بافت فرهنگی خاصی که آن زمان را احاطه کرده، در آن متن به شکلی حضور دارد.^{۴۰}

فریدریش آست (۱۷۷۸-۱۸۴۱م)،^{۴۱} الگوی سه سویه‌ای را برای فهم متن ارائه می‌کند (جدول ۱) که از منظر وی می‌تواند در فهم متن و دست‌یابی به تعالی زمان‌مند «اندیشه بنیادی» کمک کند.



جدول ۱

آست معتقد است در مواجهه با یک متن یا یک اثر، می‌توان از طریق تحوّل معنای آن به درونی و تبیین نسبت اجزای آن با یک‌دیگر، مناسبات آن معنا را با «روح بزرگ» عصر آشکار نمود.

- آست این وظیفه را صریحا به سه جزء یا سه صورت فهم تقسیم می‌کند: ۱. تاریخی؛ یعنی فهم محتوای اثر که می‌تواند هنری یا علمی یا عمومی باشد؛ ۲. نحوی؛ یعنی فهم زبان؛ ۳. روحی / معنوی؛^{۴۲} یعنی فهم اثر با توجه به کل نگرش مؤلف و کل نگرش عصر «Geist».^{۴۳}

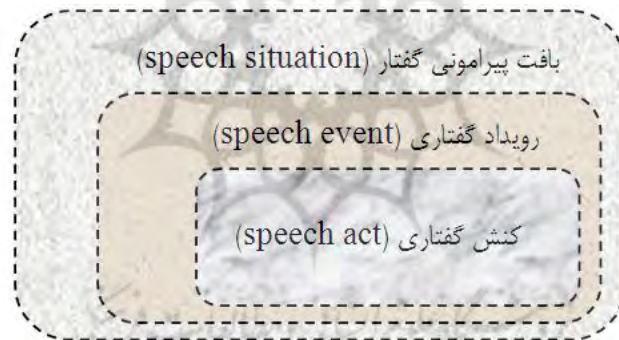
شاید به همین منظور است که یکی از روش‌هایی که امروزه اندیشمندان در تحلیل متون، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، به کار می‌گیرند روش تاریخی‌نگری است.

تاریخی‌نگری یا اصالت تاریخ، شیوه‌ای در شناخت جهان خارج و پدیده‌ها است که از سوی برخی فیلسوفان تاریخ مطرح شده است. این شیوه بر رهایی انسان از درک جهان بر اساس حقایق بی‌زمانی و مطلق استوار است و بر این

قرائت و فهم از جهان تکیه دارد که همه پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی به صورت تاریخی، تعین یافته و به عصر خود و مجموعه عناصر اجتماعی و فرهنگی زمان خویش وابسته است.^{۴۴}

از آنجا که معنای متن یا خطاب، بیشتر بر مدار قصد و اراده جدی متکلم استوار است: در نتیجه، همه شواهد تاریخی و قرائنی که مقطع صدور متن را احاطه کرده است، به شرط آنکه ظهور ساز باشد - یعنی در کشف مراد و مقصود مؤلف مؤثر افتد - از زمره عوامل فهم متن به حساب می‌آید.^{۴۵}

تحلیل کارگفتی متن بر اساس نظریه کنش گفتاری با توجه به بافت و زمینه تاریخی متن، روشی است شناخته شده که می‌توان در رده‌بندی ارائه شده توسط دل هایمز (۱۹۷۳م)^{۴۶} مشاهده نمود (جدول ۲).



جدول ۲

بر مبنای این الگو:

فهم کاربردشناختی از یک جمله، مستلزم انتقال آن جمله به بافت کاربری متعلق بدان است. بافتی که در آن، بر حسب یک رویداد گفتاری و مخاطبه، متنی تولید شده است. بر مبنای رده‌بندی هایمز، این تازه آغاز کار است؛ چرا که مخاطبه خود در یک فضای بزرگ‌تر به نام «بافت پیرامونی گفتار» اتفاق افتاده

است و برای بازشناسی رویدادهای گفتاری و مخاطبات، نیازمند بازشناسی این

بافت هستیم.^{۴۷}

در این نوشتار، شیوه تحلیل خطبه فدکیه - که بیشتر بر مدار قصد و اراده جدی متکلم استوار است - بر اساس نظریه کنش گفتاری خواهد بود. از این رو اگر اراده انشاکننده خطبه را ملاک قرار دهیم، ضمن آنکه بی‌نیاز از روش تاریخی‌نگری خواهیم بود، در تحلیل معانی، به بافت و زمینه تاریخی آن نیز توجه خواهد شد.

۴-۱. خطبه فدکیه

چنانکه زید بن علی از زینب کبری علیها السلام گزارش می‌کند:

بعد از آنکه ابوبکر تصمیمش را برای مصادره فدک جزم نمود، خیر به حضرت زهرا علیها السلام رسید؛ ایشان خمار انداخته، چادر به سر کرد و با جماعتی از بانوان و خدمت‌کاران از خانه به سمت مسجد پیامبر حرکت کرد. این در حالی بود که چادر ایشان بر زمین کشیده می‌شد، بسان پیامبر گام برمی‌داشت. ایشان به مسجد وارد شد. یک عده از مهاجرین و انصار هم در مسجد دور ابوبکر نشسته بودند. حضرت پشت پرده قرار گرفت. بانو نشست؛ اما سخن نگفت. آه و ناله‌ای از دل برآورد. مسجد لرزید و حاضران به گریه افتادند. بعد از آنکه قدری اضطراب‌ها آرام شد و کمی اشک‌ها پاک شد، حضرت لب به حمد و ثنای الهی گشود. اما باز مردم شروع به گریستن نمودند. بعد از فرو نشستن همه‌ها، حضرت خطبه فدکیه را ایراد فرمود.^{۴۸}

خطبه فدکیه دارای وجوه خطابی فراوانی است؛ چه اینکه هم در گزینش واژگان و هم در ترکیب جملات و هیئت نحوی اقوال، کاملاً منطبق بر قواعد شناخته شده ادبیات رایج عرب است و گاه می‌توان گفت حضرت بعضی لغات را ابداع کرده و هیئت ترکیبی جدیدی را ارائه نموده است. خطیب هنگام واژه‌گزینی باید توجه ویژه‌ای به هیئت الفاضلی که

انتخاب می‌کند داشته باشد:

از جهت معنا، دارای صحت و صدق باشد و از به کار بردن لغات مبالغه‌آمیز بپرهیزد. لغاتی را استعمال کند که علاوه بر داشتن معنای روشن و واضح، از هر گونه حشو و اغلاق به دور باشد تا موجب ابهام و ابهام نگردد.^{۴۹}

توجه به وجوهی که گفته شد و مراعات آن در خطابه، موجب «فصاحت» در لغت خواهد بود؛ چه اینکه «فصاحت در به کار بردن لغت، یعنی عدم منافرت حروف و عدم غریب بودن واژگان و به ظهور رساندن کلمات و بیان واضح آن»^{۵۰} با تعمق در لغات به کار رفته در خطبه فدکیه، این ویژگی‌ها به خوبی قابل مشاهده است.

این خطبه به صورت مکتوب، اولین بار در کتاب *بلاغات النساء* از ابن طیفور (م ۲۸۰هـ.ق) آمده است.^{۵۱} علامه مجلسی در *بحار*، ضمن بیان خطبه، روایتی را از ابن طیفور، صاحب *بلاغات النساء*، نقل می‌کند که او می‌گوید:

در باره سند خطبه از زید بن علی سؤال کردم؛ این چنین پاسخم را داد:
مشایخ آل ابی طالب از پدرانشان این خطبه را روایت می‌کردند و به کودکان خود آموزش می‌دادند. این خطبه را پدرم از جدم برای من نقل کرده است و سلسله روایت آن را تا فاطمه علیها السلام رسانید.^{۵۲}

این خطبه را طبرسی در *احتجاج* از «عبدالله بن الحسن باسناده عن آبائه»^{۵۳} و ابن ابی‌الحدید هم به نقل از عایشه روایت کرده‌اند.^{۵۴} طبری آملی، یکی دیگر از علمای شیعه، نیز در *دلائل الامامه* این خطبه را از زید بن علی که از پدراناش شنیده، روایت می‌کند.^{۵۵}

۲. تحلیل خطبه فدکیه بر اساس نظریه کنش‌گفتاری

۱-۲. بافت و زمینه تاریخی خطبه فدکیه

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، جمعی از صحابه، در سقیفه شورا تشکیل دادند و برای خلافت مسلمین تصمیم گرفتند. با رأی آن‌ها، ابوبکر بر مسند خلافت نشست. چون

خلافت وی مستقر شد، فدک را مصادره کرد. این در حالی بود که ابوبکر به خوبی می‌دانست فدک از آن فاطمه علیها السلام است و «در نامه‌ای نوشت که کسی متعرض آن نشود».^{۵۶} این تصمیم، دو پی‌آمد منفی داشت:

اول منزوی شدن حق و عدالت، و دوم اشاعه ظلم و تعدی. به جریان افتادن این دو اصل شوم، فرهنگ اسلامی را لکه‌دار ساخت و برای همیشه روند تکاملی آن را متوقف نمود.^{۵۷}

این بافت پیرامونی و زمینه تاریخی، باعث شد تا گفتمان فاطمی شکل گیرد: گفتمان فدکیه - در مسأله اعتراض به غضب فدک به فرمان خلیفه وقت - که از سوی حضرت زهرا در بافت مکانی، زمانی و تاریخی خاص پس از رحلت نبی اکرم بیان شده، گفتمانی با اهداف ویژه، متناسب با باورهای گروهی خاص در جامعه و در تقابل با گفتمان رقیب مطرح گردیده است.^{۵۸}

در این بافت پیرامونی، هم جایگاه گوینده مشخص است و هم مخاطبین این خطبه از شرایط مفروض آگاهند. شرط اصلی آنکه متکلم هنگام سخن گفتن قصد و اراده جدی داشته باشد و اظهار حقیقی در گفتار او تحقق یابد و قضیه‌ای صادق را تشکیل دهد، این است که شرایط ورودی و خروجی عادی تحقق یابد.

شرایط خروجی، شرایط سخن گفتن معقول؛ و شرایط ورودی، شرایط فهم را شامل می‌شوند. شرایط ورودی و خروجی روی هم، اموری از این دست را شامل می‌شوند که گوینده و شنونده هر دو می‌دانند که چگونه به زبانی خاص سخن بگویند؛ هر دو از آن چه انجام می‌دهند آگاهند. هیچ مانع فیزیکی برای ایجاد ارتباط از قبیل ناشنوایی یا زبان پریشی وجود ندارد.^{۵۹}

این شرایط ورودی - خروجی در هنگام ایراد خطبه فراهم بوده است؛ چه اینکه همه حضرت را می‌شناختند و خود حضرت نیز در ضمن خطبه، خویش را معرفی می‌کند:

ای مردم بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد است - که درود خدا بر او و خاندانش؛ آنچه آغاز و پایان کلام است می‌گویم و در گفتارم ناراست نگویم و در کردارم راه خطا نیویم.

این کلام به زبان رایج عربی آن زمان بوده و مفاهمه به خوبی صورت می‌گرفته است. دلیل اینکه حضرت، در اقناع جمهور و انجام رسالتش موفق بود، این است که مردم با شنیدن خطبه متأثر شده‌اند و کنش «اثرپذیری» به خوبی رخ داده است.

۲-۲. انواع افعال گفتاری در بخش‌های مختلف خطبه

۲-۲-۱. انواع افعال گفتاری

سرل کنش گفتار را واحد پایه معنا قلمداد می‌کند. وی کنش‌های گفتاری را به پنج دسته تقسیم می‌کند: ^{۶۰}کنش بیانی، ^{۶۱}کنش ترغیبی (انشایی)، ^{۶۲}کنش تعهدی، ^{۶۳}کنش عاطفی، و ^{۶۴}کنش اعلامی. ^{۶۵}

بعضی از افعال کنش اظهاری:

که بر افعال مضمون در سخن دلالت می‌کنند عبارتند از: «بیان کردن»، «توصیف کردن»، «اخبار کردن»، «آگاه‌تیدن»، «خاطر نشان کردن»، «اظهار نظر کردن»، «دستور دادن»، «امر کردن»، «درخواست کردن»، «انتقاد کردن»، «عذرخواهی کردن»، «سرزنش کردن»، «تصویب کردن»، «خوش آمد گفتم»، «وعدده دادن»، «اعتراض کردن»، «مطالبه کردن»، «استدلال کردن». ^{۶۶}

این افعال گفتاری را می‌توان در قالب انواع زیر دسته‌بندی کرد:

کنش بیانی یا اخباری: «از طریق کنش‌های بیانی، گوینده اطلاعاتی را به شنونده منتقل می‌کند». ^{۶۷}

شرایط تمهیدی مشتمل بر این واقعیتند که شنونده باید برای فرض قضیه مخبریه دلیلی داشته باشد. شرط ناظر به صداقت این است که او باید باور داشته

باشد که اخبار صادق است و شرط ذاتی به این واقعیت مربوط است که قضیه

مخبریه برای بیان یک امر واقعی عرضه شده است.^{۶۸}

«گوینده، واقعیت قضیه خاصی را بیان می‌کند. کلام با عالم خارج مطابق است».^{۶۹} ادعا کردن، وصف کردن، تعریف کردن، اطلاع دادن و... از این دسته افعال محسوب می‌شوند. کنش انشایی یا ترغیبی: «گوینده می‌خواهد شنونده را به اجرای کنش آتی مکلف کند».^{۷۰} یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری انجام دهد.

شرایط تمهیدی عبارتند از اینکه گوینده باید نسبت به شنونده در موضع

اقتدار باشد. شرایط ناظر به صداقت این است که گوینده بخواهد فعل مأموریه

انجام شود و شرایط ذاتی به این واقعیت مربوط است که گوینده اظهارش را

تلاشی برای واداشتن شنونده به انجام فعلی بداند.^{۷۱}

کنش‌های انشایی:

مفید اراده گوینده‌اند معطوف به اینکه شخص دیگری و اغلب مخاطب، کار

خاصی را به انجام رساند. مثل فعل‌های دستور دادن، فرمان دادن، خواستن و

امثال آنها؛ هنگامی که در کاربرد آلی اظهار شوند.^{۷۲}

کنش تعهدی: در کنش تعهدی «فعل قول دادن و فعل تعهد کردن از جهت معنایی با هم رابطه خاصی دارند. وقتی در مقام اظهار آلی به کار روند، هر دو گوینده را به یک کار معین ملزم می‌سازند».^{۷۳} در این کنش، متعهد کردن گوینده برای انجام عملی در آینده مطرح است. گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و اعمالی نظیر این، متعهد می‌شود که در آینده کاری را انجام دهد. مفهوم فعل گفتاری در اینجا:

شامل انجام ندادن افعال و انجام دادن سلسله‌ای از افعال می‌شود و ممکن

است شامل اوضاع و احوال نیز بشود؛ ممکن است وعده دهم که چیزی را انجام

ندهم و ممکن است وعده دهم که چیزهایی را مکرر یا پی در پی انجام دهم و

ممکن است وعده دهم که در اوضاع و احوال خاصی باشم یا باقی بمانم.^{۷۴}

کنش‌های احساسی و عاطفی: در کنش احساسی «گوینده موضع ذهنی (احساس) خود را درباره واقعیت خاصی بر زبان می‌آورد».^{۷۵} منظور از این نوع کنش گفتاری «افعالی‌اند که نمایان‌گر نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی‌اند».^{۷۶}

کنش‌های متعارف خوش‌آمدگویی، خداحافظی کردن، تشکر کردن، دلداری دادن، تحسین و تعریف کردن، تبریک گفتن، عذرخواهی کردن و غیره در مقوله احساسی جای دارند. همچنین پاره‌گفتارهای روزمره ساده مانند: سلام، خداحافظ، تا بعد، تشکر، نوش جان، شب بخیر، تبریک، متأسفم و غیره، کنش‌های گفتاری احساسی هستند. این کنش‌ها رابطه اجتماعی یا تماس را برقرار می‌کنند.^{۷۷}

کنش‌های اعلامی: کنش اعلامی:

آن دسته از کنش‌های گفتاری توافقی هستند که تا حدود زیادی رسمی و مستلزم یک بافت متعارف و نیز شخصی می‌باشند که اجرای این کنش‌ها رسماً به وی واگذار می‌شود. برای مثال، مسابقه ورزشی را اداره کردن، مراسم ازدواج را اعلان کردن، کسی را سوگند دادن، کارمندی را منصوب کردن، اعلان جنگ کردن، اعلان آتش‌بس کردن و غیره. این گونه کنش‌ها را کنش‌های اعلامی می‌نامند.^{۷۸}

بنا بر این گوینده با بیان خود در جهان تغییری ایجاد می‌کند. ویژگی این کنش آن است که دارای وجه انطباقی بین زبان و جهان است.

پرسش اصلی مقاله در همین جهت شکل می‌گیرد؛ نظریه کنش گفتاری چگونه می‌تواند به دسته‌بندی، طبقه‌بندی و تحلیل گزاره‌های موجود در خطبه فدکیه کمک کند؟ آیا با استفاده از دیدگاه سرل می‌توان خطبه را تحلیل نمود؟ آیا خطبه فدکیه دارای مفهومی تاریخ‌مند است؟

۲-۲-۲. تحلیل پاره‌گفتارهای خطبه فدکیه

در بررسی پاره‌گفتارهای خطبه فدکیه، متنی که طبرسی در احتجاج نقل کرده، انتخاب شده است. بر اساس این نقل، خطبه فدکیه را می‌توان به دوازده بخش مختلف تقسیم کرد. در هر بخش موضوع خاصی، به هدف و غایتی خاص، محور بیان قرار گرفته است. خطبه فدکیه در مجموع از (۳۸۵) کنش گفتاری تشکیل شده است. در اینجا هر بخش را به صورت جداگانه مورد تحلیل قرار می‌دهیم تا انواع افعال گفتاری موجود در هر بخش را بررسی کنیم.

بخش اول: حضرت، در این بخش، به حمد و ثنای الهی می‌پردازد:

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت؛ و شکر، او را در آنچه الهام فرمود؛ و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد؛ از نعمت‌های فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد و منت‌های بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آن‌ها عاجز، و نهایت آن از یاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است...^{۷۹}

یازده فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده

است:^{۸۰}

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش اول)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۷	×	×	۴	×

پاره‌گفتارهای این بخش، بیشتر در قالب کنش‌های بیانی ارائه شده‌اند؛ و این بدان جهت است که حضرت در صدد است تا هشدار دهد و ناسپاسی‌های مردم را تبیین نماید. این بخش تعریضی است بر کفران نعمتی که پس از رحلت پیامبر رخ داده است. **بخش دوم:** در این بخش به طرح مسأله توحید می‌پردازد:

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد؛ که این امر

بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت و در

پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود...^{۸۱}

شانزده فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده

است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش دوم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۱۲	×	۱	×	۳

حضرت در این بخش، با کنش بیانی بر دو مسأله توحید و نبوت تأکید می‌ورزد. حمد و سپاس خداوند به سبب ایمان و هدایت پیامبران، زمینه را برای تبیین انحراف پیش‌آمده در جامعه ایمانی بعد از رحلت پیامبر ﷺ فراهم می‌سازد. چه اینکه اگر میراث نبوت به غارت رود و از سوی ناهالان غصب شود، ایمان از جامعه اسلامی رخت برمی‌بندد و ضلالت و گمراهی را به ارمغان خواهد آورد.

بخش سوم: در این بخش، حضرت به معرفی وجود مقدس پیامبر اسلام ﷺ می‌پردازد:

گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست که قبل از فرستاده

شدن، او را انتخاب کرد و قبل از برگزیدن، نام پیامبری بر او نهاد و قبل از

مبعوث شدن، او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، در

نهایت تاریکی‌ها به سر برده، در سر حد نیستی قرار داشتند...^{۸۲}

بیست و نه فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده

است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش سوم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۲۲	۲	۱	×	۴

در اینجا بر آن دانایی تأکید می‌شود که مبتنی بر بافت پیرامونی گفتار وجود دارد. یکی

از:

دانایی‌هایی که در یک تحلیل کارگفتی ضروری به نظر می‌رسد، دانایی نسبت به جهان پیرامونی و محیط بیرونی است که رویداد گفتاری و کاربری زبانی در درون آن شکل می‌گیرد. دانایی‌ای که ارتباط مستقیم با جهان‌بینی متکلم و مخاطبان و در نتیجه جهان‌بینی حاکم بر کاربری زبانی آنان دارد.^{۸۳}

بر این اساس، حضرت با این جمله: «أشهد أن آبی مُحَمَّدًا عبده ورسوله...»، علاوه بر آنکه از حیث نسبی، پیامبر اسلام را پدر خود معرفی می‌کند، به رسالت او نیز گواهی می‌دهد و باز بر جایگاه تعیین‌کننده رسالت نبوی تأکید می‌ورزد. بخش چهارم: در این بخش به معرفی قرآن می‌پردازد:

آن، کتاب‌گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است که بیان و حجت‌های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر می‌باشد؛ پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده و تبعیت از او، خشنودی الهی را باعث می‌گردد...^{۸۴}

بسیست و پنج فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش چهارم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۱۸	×	×	×	۷

کنش‌های گفتاری این بخش، در قالب کنش‌های بیانی و اعلامی سامان یافته‌اند که حضرت با این جمله: «انتم عبادالله نُصِبُ امره و نُهیه...»، مردم را خطاب می‌کند و موقعیت تاریخی و اجتماعی آنان را گوش‌زد می‌نماید و به مسؤولیت خطیرشان آگاه می‌سازد و در ادامه با برشماری اوصاف قرآن، گویا حجت الهی را برای استنادهای بعدی خود برجسته می‌سازد.

بخش پنجم: حضرت در این بخش، به تبیین فلسفه احکام و بیان دلایل تشریح فروع دین می‌پردازد:

پس خدای بزرگ، ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای

پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی...^{۸۵}

بیست و چهار فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش پنجم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۱	۳	×	×	۲۰

بیشترین کنش‌های گفتاری در این بخش، کنش اعلامی است؛ چه اینکه گویا حضرت زهرا در صدد تبیین دوباره شریعت اسلامی برآمده است و با این بیان، قصد دارد دوباره شریعت محمدی را احیا کند.

بخش ششم: حضرت فاطمه در این بخش خودش را معرفی می‌کند:

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان

نیز می‌گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست...^{۸۶}

پنجاه و شش فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش ششم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۳۷	۸	×	×	۱۱

حضرت، ضمن بیان نسبتش با پیامبر، به آن افتخار می‌کند. ایشان به تبیین ضلالت و گمراهی اعراب جاهلی می‌پردازد و آن‌ها را با وضعیت کنونی اعراب بعد از اسلام مقایسه

می‌کند.

بخش هفتم: در این بخش، به تبیین فتنه‌های پس از رحلت پیامبر اشاره می‌کند:

علائم نفاق در شما ظاهر گشت و جامه دین کهنه و سکوت گمراهان شکسته

و پست‌رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا

درآمد...^{۸۷}

پنجاه و سه فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص

شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش هفتم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۴۶	×	×	۲	۵

حضرت با کنش بیانی، از کینه‌توزی‌ها و کارشکنی‌های امت پرده برمی‌دارد؛ رفتارهایی

که به انکار احکام قرآن و دستورات دین اسلام انجامید.

بخش هشتم: دادخواهی و افشاگری نیرنگ‌هایی که به غضب فدک منجر شد و تبیین

مبانی قرآنی ارث و اثبات حقانیت خویش، مفاد این بخش است. بیست و هشت فعل

گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش هشتم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۷	۶	×	۲	۱۳

حضرت که در بخش‌های پیشین، قرآن را به عنوان حجت الهی معرفی کرده است، در

این مرحله با استناد به همین قرآن، بر استحقاق خود نسبت به فدک، به عنوان ارث مسلم

خود، اقامه دلیل می‌کند. ارائه کارگفت‌های پرسشی در قالب استفهام انکاری؛ «آیا خداوند

آیه‌ای بر شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گویید: اهل دو دین از

یک‌دیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟»^{۸۸} نیرنگ آنان را باطل می‌کند و حجت را بر مردم تمام می‌نماید.

بخش نهم: گلابیه‌مندی از انصار و یادآوری موقعیت اجتماعی، سیاسی آن‌ها و نکوهش رفتار از سر بی‌تفاوتی آنان، محور سخنان حضرت در این بخش است. سی و سه فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش نهم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۱۴	۳	×	۳	۱۳

بخش دهم: حضرت در این بخش از خطبه، با مردم اتمام حجت می‌کند و درباره غصب شدن حق مسلم خود هشدار می‌دهد. آن‌ها را به عواقب واگذاری زعامت امور به ناهلان و بر مسند خلافت نشاندن افراد ناشایست، آگاه می‌سازد. شصت و یک فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش دهم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	۲۰	۲	۶	۱	۳۲

بخش یازدهم: پاسخ‌گویی به خلیفه در دو مرحله و پرده برانداختن از ناراستی‌ها و نادرستی‌های وی، محور کلام حضرت در این بخش می‌باشد. سی و پنج فعل گفتاری در این بخش وجود دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش یازدهم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	×	۲	۸	۲	۲۳

بخش دوازدهم: در بخش پایانی خطبه، حضرت، رو به سوی روضه منوره پیامبر کرده، با ایشان درد دل و از جور ظالمان شکایت می‌کند. سیزده فعل گفتاری در این بخش وجود

دارد. انواع آن در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار افعال مضمون در سخن (بخش دوازدهم)					
افعال گفتاری	کنش بیانی	کنش انشایی	کنش تعهدی	کنش احساسی	کنش اعلامی
تعداد کنش‌ها	3	1	x	8	1

در خاتمه، شیوه ارائه خطبه تغییر می‌کند و از شیوه خطاب، به کلام منظوم بدل می‌شود. بیشترین نوع کنش گفتاری، در قالب کارگفت‌های احساسی است. این پاره‌گفتارها در واقع شکوائیه‌ایست بر ضد ظالمان و غاصبان؛ و در جهت تحقق بخشیدن کنش تأثیرپذیری ارائه شده است.

بافت موقعیتی این قصیده، تاریخ پس از رحلت نبی اکرم است. گفتمان بر پایه نقطه عطف زمان رحلت پیامبر، یعنی نقطه تحولات جامعه نبوی، بنا می‌شود؛ «و اِخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ وَ قَدْ نَكَبُوا».^{۸۹} بازه زمانی گذشته (ماضی)، برای تعبیر از کل رویدادها، ساختارها و الگوهای اجتماعی، فرهنگی، نظام سلطه و قدرت در طول جامعه اسلامی آن عصر و کل حوادث و رخدادها از ماضی دور، یعنی دوران حیات پیامبر اکرم و دوران ولایت نبوی ایشان، تا زمان رحلت پیامبر و زمان جاری شدن گفتمان فدک، استفاده شده است و میان وضعیت قبلی و فعلی جامعه که منجر به پدید آمدن گفتمان فاطمی گشته است، به قیاس می‌پردازد. موقعیت محیطی و جامعه‌شناختی گفتمان، وقایع اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی پس از رحلت رسول است. هر چند که چهره حضرت زهرا، رو به مزار پیامبر و در ظاهر خطاب به پیامبر است، اما مخاطبان گفتمان، مردم و نیز داعیان و الگودهندگان خطوط فکری جامعه، مخاطبان خطبه فدک هستند.^{۹۰}

بازتاب‌هایی که این خطبه ایجاد کرد، شنیدنی است. مردم با شنیدن این خطبه به

شدت متأثر شدند و همه‌ای در بین جمعیت پیچید و شهر مدینه به لرزه درآمد: «مدینه چنین روزی را به خود ندیده بود. زن و مرد مدینه، هیچ روزی چون هنگام شنیدن خطبه گریه نکرده بودند».^{۹۱}

رافع بن رفاعه به دنبال حضرت رفت و گفت: ای برترین بانوان عالم! اگر علی علیه السلام پیش از بیعت با ابوبکر به ما تذکر داده بود و می‌گفت که با دیگری بیعت نکنیم، ما شخص دیگری را به جای او مقدم نمی‌داشتیم. حضرت در جواب او با غضب فرمود: «بعد از غدیر، برای کسی عذر و دلیلی باقی نمانده است».^{۹۲}

و نیز ابوبکر که می‌بیند مردم در حال شورش و اقدام برضد حکومت اویند، به منبر می‌رود و خطبه می‌خواند و با دعوت حاضران به سکوت، انصار را چنین دلداری می‌دهد که «شما به عهد رسول پایبند بوده‌اید و هستید» و این چنین از شورش جلوگیری می‌کند.^{۹۳}

نتیجه

از آنچه گذشت چنین به دست می‌آید که نظریه کنش‌گفتاری در تحلیل گزاره‌های دینی کارآمد است. این کارآمدی به‌خوبی در تحلیل گزاره‌های خطبه فدکیه قابل مشاهده است. چنانکه ملاحظه شد، در کل پیکره زبانی خطبه فدکیه، ۳۸۵ پاره‌گفتار وجود دارد که با تحلیل زبان‌شناختی آن‌ها، میزان فراوانی انواع کنش‌های گفتاری موجود در خطبه را می‌توان با نمودار زیر نشان داد:



در این نمودار، درصد کنش‌های بیانی و اعلامی، به ترتیب از سایر کنش‌های گفتاری دیگر بیشتر است و کنش تعهدی و احساسی از میان سایر افعال گفتاری، کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که علت فراوانی کنش اعلامی و بیانی در این است که حضرت فاطمه علیها السلام با این خطبه، در صدد تبیین دوباره اعتقادات، احکام و دستورات شرع مقدس اسلام بوده است و احیاکننده دوباره دین پدر بزرگوار خویش شده است؛ چنانکه در خود خطبه، بر این مطلب شواهدی وجود دارد، آنجا که خطاب به مردم فرمود: «شما قرآن را پشت سر افکندید... ندای شیطان اغواگر را لیبک گفتید و به خاموش ساختن انوار آیین حق و از میان برداشتن سنت پیامبر برگزیده کمر بستید».^{۹۴}

حضرت با کنش‌های اظهاری خود، که بیشتر در قالب افعال گفتاری اعلامی و بیانی است، در صدد بیان حقایق دین و اعلام احکام و دستورات شرع اسلام بوده است. اولین شرط برای آنکه اظهار حقیقی در جمله تحقق پیدا کند و قضیه‌ای صادق باشد، این است که شرایط ورودی و خروجی عادی تحقق یابد. شرایط خروجی، شرایط سخن گفتن معقول و شرایط ورودی، شرایط فهم را شامل می‌شوند؛ چه اینکه متکلم فردی شناخته شده است و با بیان متقن و بلیغ و به زبان همان قوم سخن می‌گوید و مخاطبین از شرایط مفروض در بافت پیرامونی آگاهند. این شرایط ورودی - خروجی، در هنگام ایراد خطبه فراهم بوده است؛ چه اینکه همه حضرت را می‌شناختند و خود حضرت نیز در ضمن خطبه، خویش را معرفی می‌کند: «ای مردم بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد است - که درود خدا بر او و خاندانش - آنچه آغاز و پایان کلام است می‌گوییم و در گفتارم ناراست نگوییم و در کردارم راه خطا نپوییم». این کلام هم، به زبان رایج عربی آن زمان بوده است و مفاهمه به خوبی صورت می‌گرفته است. دلیل اینکه حضرت در اقناع جمهور و انجام رسالتش موفق بوده است، این است که مردم با شنیدن خطبه متأثر شده‌اند و کنش «تأثیرپذیری» به خوبی رخ داده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. صانعی‌پور، محمدحسن، مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰، ص ۶۵.
2. Historical Context.
۳. واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴.
4. John L. Austin.
5. Ludwig Josef Johann, Wittgenstein.
6. John R. Searle.
7. Speech act.
۸. ساجدی، ابوالفضل، زبان دین و قرآن، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۵۷.
9. P. F. Strawson.
10. Reference and meaning.
11. Speech Acts.
۱۲. روشنفکر، کبری و...، «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام»، فصل‌نامه منهاج، بهار و تابستان ۱۳۹۰، سال هفتم، ش ۱۲، ص ۱۲۵.
۱۳. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، لسان العرب، سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۶۱.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة، اول، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۱.
۱۵. زبیدی واسطی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، اول، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۶۸.
۱۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۱.

۱۷. طوسی، خواجه نصیرالدین، *اساس الاقتباس*، تصحیح مدرس رضوی، چهارم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۵۲۹.
۱۸. مظفر، محمدرضا، *تلخیص المنطق*، تلخیص اکبر ترابی، قم: انتشارات جامعه الزهراء، ۱۳۷۵، ص ۱۸۹.
۱۹. ارسطو، *خطابه*، ترجمه اسماعیل سعادت، اول، تهران: هرمس، ۱۳۹۲، ص ۳۰.
۲۰. مظفر، پیشین، ص ۱۸۸.
۲۱. ارسطو، پیشین، ص ۳۱.
۲۲. گمپرتس، تئودور، *متفکران یونانی*، ترجمه محمدحسن لطفی، اول، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۶۷۱.
۲۳. ارسطو، پیشین، ص ۳۲.
۲۴. سرل، جان آر، *افعال گفتاری*، ترجمه محمدعلی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۹.
25. Constativ.
۲۶. استیور، دان، *فلسفه زبان دینی*، ترجمه ابوالفضل ساجدی، قم: ادیان، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸.
27. Preformative Utterance.
28. Constativ Utterance.
۲۹. سرل. پیشین، ص ۲۹-۳۰.
۳۰. البرزی، پرویز، *مبانی زبان شناسی متن*، اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶، ص ۶۷.
۳۱. استیور، پیشین، ص ۱۶۹.
۳۲. مشکینی اردبیلی، ابوالحسن، *کفایة الاصول (محشی)*، قم: لقمان، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۲۹.
۳۳. لاریجانی، صادق، *واجب مشروط (پژوهشی در آراء شیخ انصاری و دیگران)*، قم: مرصاد، ۱۳۷۹، ص ۶۴.
34. Expression and Meaning.

35. John R. Searle, *Expressin and Meaning*, Cambridge University press, 1979, P.162.

۳۶. البرزی، پیشین، ص ۸۹.

۳۷. سرل، پیشین، ص ۱۱۷.

۳۸. ساجدی، پیشین، ص ۵۷.

۳۹. صانعی پور، پیشین، ص ۶۵.

۴۰. واعظی، پیشین، ص ۲۸۶.

41. Friedrich, Ast.

42. Geistige.

۴۳. پالمر، ریچارد، علم هرمنوتیک، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس، ۱۳۷۷، ص ۸.

۴۴. موسوی گیلانی، سید رضی، درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی، قم: انتشارات ادیان، ۱۳۹۰، ص ۷۳.

۴۵. واعظی، پیشین، ص ۲۸۲.

46. Dell Hymes.

۴۷. صانعی پور، پیشین، ص ۷۲.

۴۸. ابن طیفور، ابوالفضل احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، اول، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا، ص ۲۳.

۴۹. رک: مظفر، پیشین، ص ۲۰۳.

۵۰. تفتازانی، سعدالدین، مختصر المعانی، قم: مؤسسه دار الفکر، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳.

۵۱. ابن طیفور، پیشین، ص ۲۳.

۵۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۲۲۰.

۵۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۹۷.

۵۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۵۵. طبری آملی، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم: انتشارات بعثت، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۱.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم: مؤسسه دار الحدیث، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۷۲۵.
۵۷. نقوی فائقی، محمدتقی، *سوغنامه فدک*، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹.
۵۸. روشنفکر، کبری، «تحلیل گفتمان انتقادی قصیده بانیه حضرت فاطمه علیها السلام»، فصل نامه مطالعات تاریخ اسلام (تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام)، ۱۳۹۱، ش ۱۳، ص ۱۳۶.
۵۹. سرل، پیشین، ص ۱۷۲.
60. John R. Searle, *Speech Acts: an Essay in the Philosophy of Language*, Cambridge University Press, Cambridge, 1969, P.33.
61. Representative Act.
62. Directive Act.
63. Commissive Act.
64. Expressive Act.
65. Declarative Act.
۶۶. سرل، پیشین، ص ۱۲۰.
۶۷. البرزی، پیشین، ص ۱۰۱.
۶۸. سرل، پیشین، ص ۱۸۴.
۶۹. البرزی، پیشین، ص ۹۲.
۷۰. همان.
۷۱. سرل، پیشین، ص ۱۸۴.
۷۲. لاینز، جان، *مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی*، ترجمه حسین واله، دوم، تهران: گام نو، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵.
۷۳. همان.
۷۴. سرل، پیشین، ص ۱۷۳.
۷۵. البرزی، پیشین، ص ۹۲.

۷۶. سرل، پیشین، ص ۳۴.
۷۷. البرزی، پیشین، ص ۹۶.
۷۸. همان، ص ۹۷.
۷۹. طبرسی، پیشین، ج ۱، ص ۹۸: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ...».
۸۰. تعداد فراوانی انواع کنش‌ها در هر بخش با عدد مشخص شده و علامت × به معنای عدم وجود آن نوع از کنش گفتاری در هر بخش است.
۸۱. طبرسی، پیشین: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا...».
۸۲. همان: «أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ، إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ...».
۸۳. صانعی‌پور، پیشین، ص ۱۰۳.
۸۴. طبرسی، پیشین، ص ۹۹: «كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ...».
۸۵. همان: «جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ...».
۸۶. همان: «اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةٌ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَاءً...».
۸۷. همان: «ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ...».
۸۸. همان، ص ۱۰۲: «أَفْخَصَكُمْ اللَّهُ بِآيَةِ أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي؟...».
۸۹. همان، ص ۱۰۶.
۹۰. روشنفکر، پیشین، ص ۱۳۶.
۹۱. ابن ابی‌الحدید، پیشین، ص ۲۵۳.
۹۲. طبری‌آملی، پیشین، ص ۱۲۲.
۹۳. علامه مجلسی، پیشین، ج ۲۹، ص ۳۲۶.
۹۴. طبرسی، پیشین، ص ۱۰۲: «لَقَدْ جِئْتُ شَيْئاً فَرِيًّا...».